

الف) مجاز: الفبای درد از لبم می تراود ، الفبا: مجاز از سخنان ، لب: مجاز از دهان

ب) استعاره: ۱- نوع اول: استعاره مصرحه ، درودی چو نور دل پارسایان / بدان شمع خلوتگه پارسایی

۲- نوع دوم: استعاره مکنیه ای صبح شب‌نشینان، جانم به طاقت آمد / از بس که دیر ماندی چون شام روزه‌داران

باغ سلام می کند، سرو قیام می کند / سبزه پیاده می رود، غنچه سوار می رسد

پ) تشبیه: آینه‌ی سکندر جام می است بنگر... ، از بس که دیر ماندی، چون شام روزه‌داران

۶- بیت خودارزیابی ۴ را از نظر فکری تحلیل کنید.

ای دوست شکر خوش‌تر یا آن که شکر سازد ای دوست قمر خوش‌تر یا آن که قمر سازد

(برتری آفریننده بر آفرینش) آفرینش را برای آفریننده‌اش دوست بدارید؛ چون آفریننده از آفرینش زیباتر و بهتر است.

درس دوازدهم، کنایه

کنایه در لغت، یعنی «پوشیده سخن گفتن» و **در اصطلاح**، واژه یا عبارتی است که معنای ظاهری و نزدیک آن، مورد نظر گوینده نیست؛ بلکه مفهوم دور آن مدنظر است؛ مثال:

وقتی می‌گوییم «فلانی دست به جیب است» سخنی به کنایه گفته‌ایم و منظورمان این است که «او فرد خیر و بخشنده‌ای است» و صرفاً هدف ما این نیست که بگوییم او دست به جیب می‌برد.

به این بیت توجه کنید:

همّت مردانه می‌خواهد گذشتن از جهان یوسفی باید که بازار زلیخا بشکند «صائب»

ذهن ما در عبارت «بازار شکستن» با توجه به واژگان و اصطلاحات به کاررفته در بیت، مثل: یوسف، گذشتن از دنیا و داشتن همّت مردانه، به معنای دور آن یعنی: «بی رونق کردن» راهنمایی می‌شود.

چند مثال دیگر:

سخن او بر سر زبان‌ها افتاد.

زاغی از آنجا که فراغی گزید، رخت خود از باغ به راغی کشید «جامی»

اکنون همچنین علمای زمان در علوم موی می‌شکافند. «فیه مافیه مولوی»

بر سر زبان افتادن کنایه از «فاش شدن»، رخت کشیدن کنایه از «کوچ کردن» و «موی شکافتن» به معنای دقت کردن و ریزینی است.

دامن کشان که می روی امروز بر زمین فردا غبار کالبدت بر هوا رود «سعدی»

دامن کشان بر زمین راه رفتن، کنایه از «ناز و غرور داشتن» است. مصراع دوم نیز، کنایه از «مردن» است.

فرق کنایه با مجاز

در مجاز، فقط یکی از دو معنی، قابل دریافت است آن هم معنی غیرحقیقی، اما در کنایه، هر دو معنی دور و نزدیک دریافت می‌شود؛ ولی معنی دور اراده شده‌است. برای مثال وقتی در بیان خسیس بودن کسی می‌گوییم: آب از دستش نمی‌چکد، هم معنای نریختن آب از دست دریافت می‌شود، هم معنای دوم یعنی خسیس بودن؛ اما معنای دوم مورد نظر گوینده است.

فرق استعاره و کنایه

معمولاً استعاره در «واژه» و کنایه در «ساختار کلام و جمله»، روی می‌دهد؛ مثال:

به خون خود آغشته و رفته‌اند چه گل‌های رنگین به جوبارها «علّامه طباطبایی»

در این بیت، گل‌ها استعاره از شهیدان است؛ اما در بیت:

دامن هر گل مگیر و گرد هر بلبل مگرد طالب حسن غریب و معنی بیگانه باش «صائب»

عبارت‌های: «دامن چیزی را گرفتن» و «گرد چیزی گردیدن» کنایه هستند و در بافت کلام و عبارت آمده‌اند.

چند کنایه‌ی دیگر:

دسته گل به آب دادن، کنایه از «اشتباه بزرگ کردن»/ دست و پا گم کردن، کنایه از «دچار نگرانی شدن، هول شدن»

تنگدست بودن، کنایه از «فقیر بودن»/ ثابت قدم بودن، کنایه از «با اراده بودن»

خود ارزیابی

۱- کنایه‌ها را در مثال‌های زیر بیابید.

الف) عاقل چون خلاف اندر میان آید، بجهد و چون صلح بیند، لنگر بنهد. «گلستان سعدی»

پاسخ: لنگر نهادن، کنایه از توقف کردن و ایستادن.

ب) ای پای به گل فرو شده، ای خسته تیر بلا، همه ما را خوانید؛ گرد در ما گردید. «کشف‌الاسرار میبیدی»

پاسخ: پای به گل فرو شده، کنایه از گرفتار شده و گرد در کسی گردیدن، کنایه از سراغ کسی را گرفتن و در پی او بودن است.

پ) دل‌ها اگر چه صاف، ولی از هراس سنگ آیینه بود و میل تماشا شدن نداشت «سلمان هراتی»

پاسخ: صاف بودن دل‌ها: کنایه از صادق بودن، صداقت داشتن.

ت) بگفتا دل ز مهرش کی کنی پاک بگفت آنگه که باشم خفته در خاک «نظامی»

پاسخ: باشم خفته در خاک، کنایه از: مرده باشم.

ث) در هر طرف ز خیل حوادث کمین گ‌هی است ز آن رو عنان‌گسسته دواند سوارِ عمر «حافظ»

پاسخ: عنان‌گسسته، کنایه از: آزاد و رها، شتابان.

ج) به کس مگوی که پایم به سنگ عشق برآمد که عیب گیرد و گوید چرا به فرق نپویی «سعدی»

پاسخ: پا به سنگ برآمدن، کنایه از: گرفتار شدن، دچار شدن. / به فرق پوییدن کنایه از: با اشتیاق تمام رفتن و با شوق دویدن.

۲- مفهوم کنایه‌ی عبارت‌های زیر را مشخص کنید:

الف) چنین است رسم سرای درشت گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت «فردوسی»

پاسخ: مصراع دوم، کنایه از: گاهی آسایش و خوشی، گاهی رنج و ناخوشی.

ب) از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو «مولوی»

پاسخ: مصراع دوم، کنایه از: هر کاری نتیجه‌ای دارد؛ کار خوب نتیجه‌ی خوب و کار بد، سرانجام بد دارد.

پ) نقشی بر آب می زخم از گریه حالیا تا کی شود قرین حقیقت، مجاز من «حافظ»

پاسخ: نقش بر آب زدن، کنایه از کار بیهوده و ناممکن کردن.

ت) قمری ریخته‌بالم به پناه که روم؟ تا به کی سرکشی ای سرو خرامان از من؟ «کلیم همدانی»

پاسخ: ریخته‌بالم، کنایه از ناتوان و تنها/ سرکشی کردن: کنایه از نافرمانی و گریزان بودن.

۳- در نمونه‌های زیر کنایه‌ها را بیابید و مفهوم کنایه‌ی آنها را بیان کنید.

الف) ای که پنجاه رفت و در خوابی مگر این پنج روز دریابی «سعدی»

پاسخ: در خواب بودن، کنایه از غافل بودن. این پنج روز، کنایه از زمان کوتاه عمر

ب) بس بگردید و بگردد روزگار دل به دنیا در نیندد هوشیار «سعدی»

پاسخ: دل بستن، کنایه از وابسته شدن، علاقه‌مند شدن.

پ) از در درآمدی و من از خود به در شدم گویی کزین جهان به جهان دگر شدم «سعدی»

پاسخ: از خود به در شدم، کنایه از بی‌حواس شدن، بی‌هوش شدن.

ت) الهی پیشانی بر خاک نهادن آسان است؛ دل از خاک برداشتن دشوار است. «حسن‌زاده آملی»

پاسخ: پیشانی بر خاک نهادن، کنایه از عبادت کردن، نماز خواندن. / دل از خاک برداشتن، کنایه از بریدن از دنیا و نداشتن دلبستگی به دنیا.

ث) در سلطان و شه را روزها بیهوده کوبیدن، دگر در کوی شاه خود کنم خاکی به سر امشب «محو»

پاسخ: در کوبیدن، کنایه از گدایی کردن و خواهندگی. / خاکی به سر کردن، کنایه از کاری کردن، چاره‌ای اندیشیدن.

۴- ویژگی‌های زبانی و فکری مثال‌های خودارزیابی ۲ را بررسی کنید.

الف) چنین است رسم سرای درشت گهی پشت بر زین، گهی زین به پشت «فردوسی»

ویژگی زبانی: به کار بردن واژه‌های فارسی، حذف فعل در مصراع دوم.

ویژگی فکری: روزگار یکسان نمی‌ماند؛ رسم روزگار این است: گاهی خوشی است، گاهی ناخوشی. (حکمت و اندرز ساده): سبک خراسانی.

ب) از مکافات عمل غافل مشو گندم از گندم بروید جو ز جو «مولوی»

ویژگی زبانی: کاربرد واژه‌های عربی در مصراع اول، حذف فعل در مصراع دوم.

ویژگی فکری: از نتیجه‌ی اعمال غافل مباش؛ زیرا کار خوب نتیجه‌ی خوب و کار بد نتیجه‌ی خواهد داشت. (توجه به امور آخروی): سبک عراقی.

پ) نقشی بر آب می‌زنم از گریه حالیا تا کی قرین حقیقت شود مجاز من

ویژگی زبانی: کم بودن لغات اصیل فارسی، کاربرد لغات عربی.

ویژگی فکری: در فراق یار، تصویر خیالی او را در چشم گریان خود می‌آورم، تا ببینم کی تصویر واقعی او را خواهم دید. (غم‌گرایی، فراق، ذهن‌گرایی با توجه به دنیای درون): سبک عراقی.

ت) قمری ریخته‌بالم به پناه که روم تا به کی سرکشی ای سرو خرامان از من «کلیم همدانی»

ویژگی زبانی: کم شدن لغات عربی، ورود واژه‌های عامیانه (ریخته‌بال).

ویژگی فکری: مانند قمری پر ریخته و بیچاره‌ای هستم که نمی‌دانم به چه کسی پناه ببرم، ای یار سروقامت تا کی از من دوری می‌کنی. (مضمون‌یابی و ارائه‌ی خیال خاص و یک مفهوم غنایی که گذشتگان هم به کار برده‌اند؛ اما قابل درک‌تر و خلاصه‌تر): سبک هندی.

۵- وزن بیت زیر را بیابید:

زننده به بوی توام، بوی زمن وا مگیر تشنه روی توام، باز مدار از من آب «عراقی»

ز ن د ب بوا ی ت ا م | بوی ز م ن | وا م گیر

ت ش ن ی ر و ا ی ت ا م | باز م د ا | ر ز م ن ا ب

مفتعلن فاعلن، مفتعلن فاعلن.

کارگاه تحلیل فصل چهارم

۱- دو غزل زیر را بخوانید و پرسش‌ها را پاسخ دهید:

مرا تو غایت مقصودی از جهان ای دوست هزارجان عزیزت فدای جان ای دوست

چنان به دام تو الفت گرفت مرغ دلم که یاد می‌نکند عهدآشیاں ای دوست

گرم تو در نگشایی کجاتوانم رفت به راستان که بمیرم برآستان ای دوست

مرا رضای تو باشد، نه زندگانی خویش جواب تلخ بدیع است از آن دهان ای دوست

که گفت سعدی از آسیب عشق بگریزد به دوستی که غلط می‌بردگمان ای دوست (سعدی)

ای دفتر حسن تو رافهرست، خط و خال‌ها تفضیل‌ها پنهان شده در پرده اجمال‌ها

آتش فروز قهر تو، آینه دار لطف تو هم مغرب ادبارها، هم مشرق اقبال‌ها

پیشانی عفو تو را پرچین نسازد جرم ما آینه کی برهم خورد از زشتی تمثال‌ها

با عقل گشتم همسفر یک کوچه راه، از بی کسی شد ریشه ریشه دامنم از خار استدلال ها
هر شب کواکب کم کند از روزی ما پاره ای هر روز گردد تنگ تر سوراخ این غربال ها
هرچند صائب می روم سامان نو میدی کنم زلفش به دستم می دهد سررشته آمال ها (صائب تبریزی)

الف) وزن هر دو غزل را بیابید.

(مفاعیلن فاعلاتن مفاعیلن فع لن) غزل سعدی

مستفعلن مستفعلن مستفعلن (غزل صائب)

ب) دو غزل را از نظر قلمرو زبانی و فکری مقایسه و تحلیل کنید.

قلمرو زبانی :

در سبک عراقی زبان شعر نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی است
اما در سبک هندی شعر عامیانه و دارای مضامین تازه و خیال پردازی های پیچیده می باشد

قلمرو فکری :

- ۱- در غزل سعدی هنوز برخی ویژگیهای زبان خراسانی، مانند: جابه جایی ضمیر پیوسته و کاربرد فعل «می نکنند» وجود دارد.
- ۲- واژه ها و ساخت های نحوی غزل سعدی، نرمتر و روانتر هستند اما واژه های غزل صائب، روانی غزل سعدی را ندارد
- ۳- در غزل صائب برخی ترکیب ها و تعبیرهای تازه مانند: آتش فروز قهر، آیینه دار لطف، مغرب ادبارها، مشرق اقبالها، پیشانی عفو و سررشته ی آمال ها، تازگی دارند.
- ۴- در غزل صائب، برخی تعبیرات عامیانه مانند: فهرست دفتر، یک کوچه راه، بی کسی، ریشه ریشه شدن دامن و سوراخ غربال ها دیده میشود.
- ۵- در غزل سعدی، غایت مقصود شاعر از همه ی جهان هستی و زندگی، تنها رضای دوست، خداوند است.
- ۶- در غزل سعدی، عاشق هرگز از سختی های عشق نمی گریزد و از بالای عشق نمی پرهیزد.
- ۷- در غزل صائب، همه ی پدیده های هستی، نشان دهنده ی زیبایی های خداوند هستند و همه ی بدبختی ها و خوشبختی های این جهان، پرتوی از قهر و لطف او میباشند
- ۸- در غزل صائب، زشتی گناهان ما در عفو و بخشش خداوند، خدشه ای وارد نمی کند
- ۹- غزل صائب واقع گرا است
- ۱۰- در غزل صائب معشوق عرفانی تراست.
- ۱۱- غزل صائب معنی گرا است.
- ۱۲- واژه ی عربی در غزل صائب بیشتر است نسبت به غزل سعدی.

پ) دو غزل را از دیدگاه زیبایی‌شناسی تحلیل نمایید.

غزل سعدی: جهان مجاز از نعمت، مرغ دل تشبیه فشرده، دام مرغ آشیان مراعات نظیر، در گشادن کنایه، راستان و آستان جناس ناهمساز افزایشی، جواب تلخ حس آمیزی، آسیب عشق اضافه استعاری،

غزل صائب: دفتر حسن پرده اجمال تشبیه فشرده، خط و خال ها فهرست دفتر توست تشبیه

گسترده، تفضیل و اجمال تضاد، مغرب ادبها آتش فروز قهر توست، مشرق اقبال ها آینه دار لطف توست تشبیه فشرده، مغرب ادبها، مشرق اقبال ها تشبیه فشرده، ادبار و اقبال تضاد، مشرق و مغرب قهر و لطف تضاد، پیشانی عفو اضافه استعاری، بیت سوم اسلوب معادله، پر چین ساختن کنایه، عقل تشخیص، ریشه ریشه شدن کنایه، خار استدلال ها تشبیه فشرده،

بیت پنج اشاره به تاثیر ستارگان در سرنوشت انسان، کواکب تشخیص، غربال استعاره مصرحه از آسمان، سامان نومیادی کردن پارادوکس، سررشته آمال ها تشبیه فشرده، زلف تشخیص

در غزل صائب، تصویرهای گوناگون و پیچیده ای چون: فهرست دفتر حسن، پرده ی اجمال ها، آتش فروز قهر، آینه دار لطف، مغرب ادبها، مشرق اقبال ها، پر چین نشدن پیشانی عفو، تمثیل بر هم نخوردن آینه از زشتی تمثال ها، همسفر شدن با عقل، ریشه اقبال ریشه شدن دامن از خار استدلال ها، تنگ تر شدن سوراخ غربالهای کواکب و سر رشته ی آمالها دیده میشود.

در حالی که در غزل سعدی، تنها تصویر ساده ی الفت گرفتن مرغ دل به دام معشوق وجود دارد.

سعدی گاه، از نظر بدیع لفظی با واژه ها بازی می کند؛ مانند: «به راستان و بر آستان...» اما صائب فقط به مضمون های نو می اندیشد.

۲- در ابیات و عبارات زیر تشبیه را مشخص کنید و ارکان تشبیهات فشرده را بنویسید.

الف) کنار نام تو لنگر گرفت کشتی عشق بیا که یاد تو آرامشی است طو فانی

کشتی عشق: تشبیه فشرده (عشق مشبه کشتی مشبه به)

ب) پس از ابرکرم، باران رحمت بر خاک آدم بارید و خاک را گل کرد و به یدقدرت در گل از گل دل کرد.

ابر کرم: تشبیه فشرده (کرم مشبه، ابر مشبه به)

باران محبت: تشبیه فشرده (محبت: مشبه، باران مشبه به)

پ) پروردگارا روا مدار در ظلمات جهل و ضلال از چراغ هدایت به دور افتم.

ظلمات جهل و ضلال: تشبیه فشرده (جهل و ضلال مشبه ظلمات مشبه به)

چراغ هدایت: تشبیه فشرده (هدایت مشبه، چراغ مشبه به)

۳- مجاز را در بیت های زیر مشخص کنید:

الف) عالم از شور و شر عشق مبادا خالی فتنه انگیز جهان نرگس جادوی تو بود

نرگس مجاز از چشم

ب) دیدی که خون ناحق پروانه شمع را چندان امان نداد که شب را سحر کنند

خون مجاز از کشته شدن

پ) از تو به که نالم که دگر داور نیست وز دست تو هیچ دست بالاتر نیست

دست مجاز از قدرت

۴- در ابیات و عبارات زیر استعاره را بیابید و مشخص کنید که آن استعاره، کدام رکن باقی مانده از تشبیه است؟

الف) بتی دارم که گرد گل ز سنبل سایه بان دارد بهار عارضش خطی به رنگ ارغوان دارد

بت استعاره از معشوق (مشبه به) / گل استعاره از چهره (مشبه به) / سنبل استعاره از گیسو (مشبه به)

ب) دلا تاکی در این زندان فریب این و آن بینی یکی زین چاه ظلمانی برون شو تا جهان بینی

زندان استعاره از دنیا (مشبه به) / چاه استعاره از دنیا (مشبه به) / جهان استعاره از حقایق و معرفت (مشبه به)

۵- در ابیات زیر عبارت کنایه را مشخص کنید و مفهوم کنایی آن را بنویسید .

الف) به تیغم گر گُشد، دستش نگیرم وگر تیرم زند منت پذیرم

دستش نگیرم کنایه از مانع نشدن / منت پذیرم کنایه از قبول کردن

ب) یکی نغز بازی کند روزگار که بنشاندت پیش آموزگار

پیش آموزگار نشانیدن کنایه از درس عبرت گرفتن

۶- آرایه های تشبیه، مجاز، استعاره و کنایه را در ابیات و عبارات زیر مشخص کنید :

الف) داغ است دل لاله ونیلی است بر سرو کز باغ جهان لاله عذاران همه رفتند

داغ استعاره از لکه سیاه وسط لاله / نیلی استعاره از رنگ کبود سرو / باغ جهان تشبیه فشرده / لاله عذاران تشبیه فشرده

ب) با آسمان مفاخره کردیم هر سحر او از ستاره دم زد و من از تو دم زدم

دم زدن کنایه از سخن گفت / با آسمان مفاخره کردن کنایه از فخر فروشی

پ) این نغمه ی محبت بعد از من و تو ماند تا در زمانه باقی است آواز باد و باران

نغمه محبت تشبیه فشرده / آواز باد و باران استعاره مکنیه

ت) الهی ، عقل گوید: الحذر، الحذر؛ عشق گوید: العجل ، العجل

تشخیص در واژه های عقل و عشق

ث) از دیده گر سرشک چو باران چکد رواست کاندر غمت چو برق بشد روزگار عمر

سرشک چو باران تشبیه گسترده / روزگار عمر چو برق بشد (تشبیه گسترده)

روزگار عمر (تشبیه فشرده)

ج) روشنی روز تویی، شادی غم سوز تویی ماه شب افروز تویی، ابر شکر بار بیا

روشنی روز تویی تشبیه فشرده

شادی غم سوز تویی تشبیه فشرده

ماه شب افروز تویی تشبیه فشرده

ابر شکر بار بیا استعاره مکنیه

غم سوز کنایه

چ) چون در این آیات تأمل کنند ، بهار توحید از دل های ایشان سر برزند. درخت معرفت به بار آید، چشمه ی حکمت گشاید، یاسمین شوق بردهد.

بهار توحید معرفت

چشمه حکمت / یاسمین شوق : تشبیه فشرده

ح) دلم شکستی و رفتی ، خالف شرط مودت به احتیاط رو اکنون که آبگینه شکستی

دل شکستن کنایه از ناراحت کردن

آبگینه استعاره از دل

خ) تو قامت بلند تمنایی ای درخت همواره خفته است در آغوش آسمان بالایی ای درخت

ای درخت آسمان خفته است، ای درخت: استعاره مکنیه

ای درخت تو قامت بلند تمنایی تشبیه فشرده. بالایی ای درخت کنایه از در اوج بودن

د) جهان را سر به سر آیینه می دان به هر یک ذره ای صد مهر تابان

جهان آینه است تشبیه فشرده

مهر تابان استعاره از حقیقت الهی

ذ) همگنان خاموش / گرد بر گردش ، به کردار صدف بر گرد مروارید .

خاموش بودن کنایه از سکوت به کردار صدف بر گرد مروارید تشبیه گسترده

ر) ای گل بوستان سرا، از پس پرده ها در آ بوی تو می کشد مرا، وقت سحر به بوستان

ای گل استعاره از معشوق

از پس پرده درآمدن کنایه از آشکار شدن

ز) پیداست از گلاب سرشکم که من چو گل یک روز خنده کردم و عمری گریستم

گلاب سرشک تشبیه فشرده

من چو گل عمری خنده کردم تشبیه گسترده .

خنده کردن کنایه از شاد بودن .

گریستن کنایه از ناراحت بودن .

عمری کنایه از مدت طولانی

ژ) موی سفید را فلکم رایگان نداد این رشته را به نقد جوانی خریده ام

فلکی که رایگان نداده استعاره مکنیه

رشته استعاره از مو

نقد جوانی تشبیه فشرده

۷- با خوانش درست ابیات، مرز پایه های آوایی آن ها را مشخص کنید و هر پایه را در خانه خود قرار دهید .

الف) اگر تو ز آموختن سرنتابی بجوید سر تو همی سروری را

ا گرت / ز آموختن سر / ان تابی ب جوید / س رت / ه می سر / و ری را

ب) در هوایت بی قرارم روز و شب سر ز پایت بر ندارم روز و شب

دره وایت / بی ق را رم / روز شب سر ز پایت / برن دارم / روز شب

۸- با خوانش بیت ها، مرز پایه های آوایی را مشخص کنید، سپس خانه هایی به تعداد آن ها طراحی نموده، هر پایه را در خانه خود جای دهید و وزن آن ها را بنویسید.

الف) ز چشم شوخ تو جان کی توان برد که دائم با کمان اندر کمین است

پایه های آوایی	ز چشم شو	خ ت جان کی	ت وان برد
	ک دائم با	ک مان در	ک می نست
وزن واژه	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعی (فعولن)

ب) نمیرم از این پس که من زنده ام که تخم سخن را پراکنده ام

پایه های آوایی	ن می رم	ا زی پس	ک من زن	د ام
	ک تخم	س خن را	پ را کن	د ام
وزن واژه	فعولن	فعولن	فعولن	فعل

۹- با توجه به آهنگ بیت زیر، پایه های آوایی مناسب (غیر از واژه های بیت) را تولید کنید و آن را در جای خالی بنویسید :

نمی دانم بگو عشق تو از جانم چه می خواهد؟ چه می خواهد بگو عشق تو از جانم؟ نمی دانم

قیصر امین پور

پایه های آوایی	ن می دانم	ب گو عشق	ت از جانم	چ می خواهد
وزن واژه	م دا مم مس	ت می دا رد	ن سی م* جع	د گی سویت

10- بیت های زیر را متناسب با پایه های آوایی تفکیک کنید، سپس وزن و خوشه های هجایی هر یک را در خانه ها قرار دهید:

الف) باز آمدم باز آمدم، از پیش آن یار آمدم درمن نگر، درمن نگر، بهر تو غمخوار آمدم مولوی

پایه های آوایی	ب ز ا م دم	با ز ا م دم	از پی ش آن	یا را م دم
	در من ن گر	در من ن گر	به ر ت غم	خا را م دم
وزن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن	مستفعلن
نشانه های هجایی	-U--	-U--	-U--	-U--

ب) ای همه هستی ز تو پیدا شده خاک ضعیف از تو توانا شده

پایه های آوایی	ای ه م هس	تی ز ت پی	دا ش د
	خا ک ض عی	ف ز ت ت وا	نا ش د
وزن واژه	مفتعلن	مفتعلن	مفتعل (فاعلن)
خوشه های هجایی	- UU -	-UU-	-U-

۱۱- پایه های آوایی بیت های زیر را مشخص کنید و با ذکر دلیل بنویسید که چرا ابیات زیر دارای وزن همسان دولختی هستند؟

الف) ار نظرت کجا رود، ور برود تو همری رفت و رها نمی کنی، آمد و ره نمی دهی

پایه های آوایی	از ن ظ رت	ک جا ر ود	ور ب ر ود	ت هم ر هی
	رف ت ر ها	ن می ک نی	آ م دره	ن می دهی
وزن واژه	مفتعلن	مفاعلن	مفتعلن	مفاعلن
خوشه های هجایی	-UU-	U-U-	-UU-	U - U -

دولختی است چون وسط مصراع مکث است و نیز وزن متناوب است .

ب) اشک سحر زداید، از لوح دل سیاهی خرم کند چمن را، باران صبحگاهی

پایه های آوایی	اش ک س	حر ز دا ید	از لوح	دل س یا هی
	خر رم ک	ند چ من را	با ران	صب ح گا هی
وزن واژه	مفعول	فاعلاتن	مفعول	فاعلاتن
	U--	--U-	U--	--U-

12- بیت های زیر را که نظم همسان دولختی (دوری) دارند، مشخص کنید :

الف) در سینه ام دوباره غمی جان گرفته است امشب دلم به یاد شهیدان گرفته است

مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن (دوری نیست)

ب) بسیار گنه کردیم، آن بود قضای تو شاید که به ما بخشی، از روی کرم آن ها

مفعول مفاعیلن مفعول مفاعیلن (دوری)

پ) هر دم از این باغ بری می رسد تازه تر از تازه تری می رسد

مفتعلن مفتعلن فاعلن (دوری نیست)

۱۳- بیت های زیر را تقطیع هجایی کنید و مطابق جدول زیر، پایه های آوایی، وزن واژه و خوشه های هجایی آن را بنویسید :

الف) دائم گل این بستان، شاداب نمی ماند دریاب ضعیفان را در وقت توانایی

پایه های هجایی	دائم گ	ل این بس تان	شاداب	ن می ماند
	دریاب	ضعی فان را	در وقت	توانایی
وزن واژه	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
خوشه های هجایی	U - -	---U	U--	---U

توجه: اگر هجاهای این بیت را به صورت (۴-۳) دسته بندی کنیم، وزن واژه های (مستفعل مفعولن مستفعل مفعولن) به دست می آید

ب) هر نفس آواز عشق، می رسد از چپ و راست ما به فلک می رویم عزم تماشا که راست

پایه های آوایی	هرن ف سا	وا ز عشق	می رس دز	چ پ راست
	ما ب ف لک	می رویم	عزم ت ما	شاک راست
وزن واژه	مفتعلن	فاعلن	مفتعلن	فاعلن
خوشه های هجایی	-UU-	-U-	-UU-	-U-

پ) غمناک نباید بود، از طعن حسود ای دل شاید که چو وا بینی، خیر تو در این باشد

پایه های آوایی	غم ناک	ن باید بو	دز طعن	ح سو دی دل
	شاید ک	چو وا بی نی	خیرت	درین باشد
وزن واژه	مفعول	مفاعیلن	مفعول	مفاعیلن
خوشه های هجایی	U--	---U	U--	---U